

روان‌شناسی زن

متن سخنرانی دکتر علی اصغر احمدی
در کنگره دوم انجمنهای اولیاء و مربیان

در باره روان‌شناسی زن مطالب بسیار زیاد، وسیع و متنوعی مطرح شده است و علمای تعلیم و تربیت، روان‌شناسان، فلاسفه و ادیبان زوایای مختلف این موضوع را بررسی کرده‌اند؛ که اگر بخواهیم همه آنها را در یک مجموعه ارائه دهیم، کاری بسیار مشکل است. به هر حال با تأکید بر آنچه که بیشتر روان‌شناسان در مورد زن گفته‌اند، مطالبی را به صورت مجمل بیان می‌کنم.

وقتی که در باره روان‌شناسی به طور کلی بحث می‌کنیم، هم در مورد زن و هم در مورد مرد سخن به میان می‌آید، زیرا هر دو انسان هستند و در این بررسی کلی می‌گنجند. اما هنگامی که بحث تفاوت‌های فردی به میان می‌آید، مطلب چیز دیگری می‌شود. یکی از مقوله‌های مهم در تفاوت فردی جنسیت انسانهاست؛ یعنی تفاوت بین دختران و پسران و مؤنث و مذکر.

در اینجا من از زاویه بحث مقایسه بین زن و مرد و تفاوت‌هایی که بین این دو جنس وجود دارد، وارد خواهم شد؛ منتها ابتدا نکته‌ای را به عنوان اصلی که در تمامی مباحثم سایه خواهد افکند، یادآور می‌شوم که ما وقتی در باره روان‌شناسی زن و به طور کلی روان‌شناسی می‌خواهیم سخن بگوییم، می‌باید یک دید تحوّل‌ی داشته باشیم؛ به عبارت دیگر از خود پرسیم: کدام انسان را در کدام مرحله بررسی می‌کنیم؟ یک کودک؟ یک نوجوان؟ یک جوان؟ کدامیک را؟ الآن ما با موجودی به نام زن یا مرد به شکل مطلق مواجه و روبه‌رو نیستیم، زیرا جنس مؤنث یا مذکر در هر لحظه از زندگی‌اش در مرحله‌ای از تحول قرار گرفته است.

وقتی می‌خواهیم با دید تحوّل‌ی در مورد زن



سخن بگوئیم، باید عوامل مؤثر بر این تحول را مورد توجه قرار دهیم. عوامل مؤثر بر تحول انسان سه دسته‌اند:

اولین عامل، تغییرات بدنی و ارگانیک است. این تغییرات، بخصوص رشد داخلی، شامل مجموعه‌ای از دستگاه عصبی و هورمونی می‌شود، زیرا رفتارهای ما بیش از همه دستگاه‌های دیگر تحت تأثیر دستگاه هورمونی و عصبی ما قرار می‌گیرد. دستگاه عصبی و هورمونی ما در هر مرحله تغییرات خاصی پیدا می‌کند و مقتضیات خاصی دارد.

دومین عامل، تجربه شخصی فرد است؛ یعنی آن دسته اعمالی که فرد با مشارکت و با اراده خودش انجام می‌دهد. ما لفظ اراده را از این مجموعه بر می‌داریم؛ هرچند که وقتی می‌گوئیم تجربه شخصی، مراد ما همان اراده هم هست. ولی مشارکت خود فرد برای انجام یک کار، نقش بسیار مهمی در تحول روانی انسانها بازی می‌کند. "پیازه" برای تجربه اهمیت زیادی قائل است و می‌گوید: "تا وقتی ما عملاً تجربه نکنیم، عملاً با اشیاء سروکار نداشته باشیم و عملیاتی را روی آنها انجام ندهیم، اطلاعات محیطی نمی‌تواند در رشد روانی ما اثر داشته باشد."

سومین عامل، اطلاعات محیطی است و این عامل را می‌توانیم به عنوان تجربه اجتماعی در نظر بگیریم.

این سه عامل دست به دست هم می‌دهند و تحول روانی ما انسانها را پدید می‌آورند. حالا ما این سه عامل را در نظر داشته باشیم تا ببینیم در روان‌شناسی زن هر کدام از اینها چه مداخله‌هایی را انجام می‌دهند. در زمینه سومین عامل، یعنی رشد یا تجربه اجتماعی چند نکته

را بطور گذرا اشاره می‌کنم:

در مطالعاتی که در مورد ویژگیها و خصوصیات زن و خانواده در طول سالهای گذشته داشته‌ام، نکته‌ای که برایم خیلی جالب توجه بوده این است که در فرهنگ ما و در فرهنگهای دیگر نیز درباره زن زیاد بحث شده است و ضرب‌المثلها، اشعار و عبارتهای مختلف راجع به زن گفته شده که اینها را می‌توان تقریباً در چند قالب جای داد:

اول، در قالب عشق و محبت؛ یعنی به زبان عشق و محبت راجع به زن بحث شده است. دوم، به زبان لطافت و پاکسی؛ سوم، به زبان شوخی، به طوری که در کتابهایی مثل امثال و حکم دهخدا، در این باره مطالب فراوانی آمده است و چهارم، در قالب کینه و کینه‌توزی هم در زبان مردم در کشورهای مختلف و در فرهنگهای گوناگون نیز زیاد بحث شده است.

حال در اینجا واقعاً جای سؤال است که چرا این مقدار راجع به زن و خصوصیات او در این مقوله‌ها مطلب گفته شده است، ولی در مورد مرد نه؟ در مورد مرد اغلب از صفت مردانگی سخن به میان آمده و بطور کلی در مورد مرد صفات مثبت بیان شده است، در صورتی که در مورد زن این طور نیست. در مورد زن صفات گوناگونی را به کار برده‌اند و چون متأسفانه بار منفی این ضرب‌المثلها بسیار زیاد است از گفتن آنها امتناع می‌کنم، هر چند که مجموعه این ضرب‌المثلها را در اختیار دارم. باید دید علت اینکه این همه راجع به زن سخن گفته شده است، چیست؟ من به این علت این مسأله را مطرح کردم که باید وجود این افکار و ضرب‌المثلها رابه عنوان یک عامل اجتماعی که در شکل‌گیری رفتار و روان زن مؤثر است، در

دوم در برابر این سؤال گفتند که بچه ترسید و گریه کرد. شما بخوبی شاهد تفکر قالبی در این مثال هستید. زیرا در تفکر قالبی ما، پسر می‌باید آدمی عصبانی و دختر، فردی ترسو باشد. در تحقیق مشابه دیگر، پانزده نوزاد پسر و پانزده نوزاد دختر را در یک زایشگاه انتخاب می‌کنند، به طوری که تمامی خصوصیات ظاهری و فیزیکی آنان یکی باشد؛ مثلاً قد، وزن، شکل و... و از طرف دیگر همه فرزندان اول خانواده باشند. سپس از پدر و مادر آنان می‌خواهند فرزند خود را توصیف کنند. آنهایی که فرزند دختر داشتند بچه خود را ظریفتر، کوچکتر و زیباتر و آنهایی که فرزند پسر داشتند، بچه خود را قویتر، هوشیارتر و هماهنگتر توصیف کردند. حال آنکه همه آنها از لحاظ ظاهری و فیزیکی یکسان و همانند بودند. در این مثال هم تفکر قالبی ما از بدو تولد کودک هویدا است. یعنی ما آنچه را در ذهن خود داریم روی کودک حمل می‌کنیم.

حال شما در نظر بگیرید اینکه ما از ابتدا دختر را ترسو و پسر را عصبانی می‌نامیم؛ و یا از ابتدا دختر را کوچک و ظریف می‌بینیم و پسر را قوی و هوشیار، آیا اینها در نحوه رفتارهای آتی ما با آنها اثر دارد یا خیر؟ باید بگوییم که قطعاً اثر دارد.

حال برخی از حیطه‌های رفتاری زن و مرد را با هم مقایسه می‌کنیم. من سه حیطه را انتخاب کرده‌ام و در این سه حیطه مقایسه‌هایی را انجام خواهم داد:

اول حیطه شناختی، دوم حیطه شخصی و شخصیتی و سوم حیطه اجتماعی است. حال ببینیم که در زمینه این سه ویژگی چه تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد.

نظر گرفت؛ مثلاً فرض کنیم در جاهای مختلفی به پرگویی و زیاد حرف زدن زن اشاره می‌کنند. آیا واقعاً زن پرگو است یا نه؟ آیا تحقیق و تجربه‌ای روی این موضوع صورت گرفته است که اثبات کند زنها بیشتر از مردها حرف می‌زنند؟ من چنین تحقیق و تجربه‌ای را سراغ ندارم که انجام گرفته باشد.

در حقیقت به زنها، بخصوص زنهایی که اهل تحلیل و تفکر نیستند گفته می‌شود شما آدمهای پرحرفی هستید. امثال این عبارت در مورد زنها زیاد است. این جملات برای زنها الگو می‌شود و روی آنان اثر می‌گذارد و شخصیتشان را شکل می‌دهد. بنابراین از جمله عوامل بسیار مؤثر برای رشد و شکل‌گیری سازمان وجودی زن، توجه به بستر فرهنگی هر جامعه است که در قالب ضرب‌المثلها و عبارتهای مختلف دیده می‌شود. یک سلسله مطالعات دیگر نشان می‌دهد که تفکرات قالبی خاصی در مورد زن در جامعه، از ابتدای تولد زن و مرد وجود دارد و در ذهن یکایک آنان جا گرفته و روی آنان اثر می‌گذارد. در این زمینه نمونه‌ای را بیان می‌کنم:

در یک تحقیق به دو دسته افراد فیلمی را جداگانه نشان دادند. آن فیلم رفتار یک بچه نه ماهه را نشان می‌داد. بعد از تماشای فیلم به گروه اول گفتند که آن بچه پسر است و به گروه دوم گفتند که آن بچه دختر است. بعد از آن ارزیابی‌هایی که به عمل آمد کاملاً متفاوت و بیانگر قضاوت‌های قالبی آن افراد روی حرکات بچه بود؛ مثلاً در قسمتی از فیلم، یک عروسک ناگهان از جعبه‌ای بیرون می‌پرد و بچه بعد از آن شروع به گریه کردن می‌کند. از گروه اول پرسیدند چرا بچه گریه کرد؟ آنها گفتند چون بچه عصبانی شد و بدین خاطر گریه کرد. گروه



ابتدا به حیطة شناختی پردازیم و ببینیم که آیا در این زمینه تفاوتی بین زن و مرد وجود دارد یا نه؟ باید گفت تا آنجا که به تحول ساختهای عقلی و ذهنی زن و مرد مربوط است تا کنون مطالعات و تحقیقات، هیچ‌گونه تفاوتی را بین زن و مرد نشان نداده است؛ یعنی همان سیری را که مرد به لحاظ تحول عقلانی از خود نشان می‌دهد یا در مقابل او هست، همان مسیر را زن یا دختر هم طی می‌کند. ملاحظه کنید که ما به لحاظ عقلی مراحل را طی می‌کنیم. قوی‌ترین و جامع‌ترین تحقیقاتی هم که در این زمینه صورت گرفته، تحقیقات "پیاژه" است. در مطالعات پیاژه، همان مراحل را که پسر طی می‌کند، دختر هم طی می‌کند؛ هیچ تفاوتی به این لحاظ وجود ندارد. متناهی نکته‌ای در اینجا وجود دارد و آن اینکه چه دختر و چه پسر در مورد طی کردن این مراحل ممکن است با مشکلاتی مواجه شوند؛ مثلاً توقعهایی صورت بگیرد؛ یعنی ما مراحل را تا جایی برسانیم و بعد در آنجا متوقف شویم و دیگری بیشتر از آن پیش نرویم. این مسأله هم در مورد زن و هم در مورد مرد صدق می‌کند. عوامل فرهنگی، عوامل تربیتی و تجربه شخصی که بدان اشاره شد، بسیار مؤثر هستند. آیا فرد به این مراحل کامل تفکر انتزاعی می‌رسد یا نه؟ متأسفانه باید گفت در نظام تعلیم و تربیت ما شکل آموزشهایی که ما داریم غالباً باعث می‌شوند که بسیاری از بچه‌ها با تأخیر به سطح تفکر انتزاعی و صوری برسند؛ آنجایی که فرد می‌باید واقعاً از قالبهای کاملاً علمی ذهنش استفاده بکند. حالا این مسأله بطور کلی در مورد نظام تعلیم و تربیت ما صادق است و علتش هم این است که این سیستم کمتر بچه‌ها را در فعالیتهای علمی

و فعالیتهای فکری مشارکت می‌دهد و بیشتر می‌خواهد خوراک را تحویلشان بدهد و آنها بخورند و استفاده کنند. کمتر آنها را درگیر می‌کند تا در باره مسأله‌ای فکر بکنند. این به عنوان قاعده‌ای است که ما در تعلیم و تربیت خود شاهد آن هستیم و با آن مواجهیم. حال در مورد زنها این عامل می‌تواند از طریق مداخله آن تفکرات اجتماعی که در مورد زن وجود دارد، تشدید بشود؛ مثلاً این فکر که زن تحصیل را می‌خواهد چه کند؟ زن درس خواندن را برای چه می‌خواهد؟ این هم در میان جامعه رواج پیدا کرده و وجود دارد. هرچند که ممکن است به صورت ظاهری خیلیها نگویند، ولی بتدریج مورد قبول بسیاری از زنها قرار گرفته باشد. وقتی که از زنها، حتی دانشجویان دانشگاه،

لطفاً ورق بزنید

نسبت به مردها بخصوص در حیطة توجه به روابط بین فردی و توجه به خصوصیات فردی خود فرد بسیار بالاتر است؛ یعنی این تفاوت یک تفاوت معنی داری است. زنها بیشتر متوجه خودشان هستند تا مردها؛ زنها نسبت به روابطشان با دیگران بیشتر خودآگاهتر و هوشیارتر هستند تا مردها. باید این عنصر را هم در نظر داشته باشیم، زیرا در کنار سایر ویژگیهایی که می‌خواهیم بیان کنیم، این عناصر معنادارند و می‌توانند رفتار کلی زن را تبیین کنند.

در مورد ویژگیهای شخصی و شخصیتی چهار محور را مورد بحث قرار می‌دهیم:

اول، عزت نفس است؛ عزت نفس یعنی ارزش قائل شدن به خود و خود را مثبت ارزیابی کردن.

دوم، رضایت از تصوّر بدنی است. سوم، افسردگی است.

می‌پرسیم که چرا دارید درس می‌خوانید؟ بسیاری از دانشجویان دختر طوری حرف می‌زنند که انگار حالا تا وقتی که ازدواج کنند، بیکارند، لذا به دانشگاه می‌آیند تا اینکه وقت بگذرد، بعد اگر ازدواج کردند، درس را رها می‌کنند و می‌روند. ببینید حتی در مورد آنها مسأله این است که تحصیل و تفکر و درگیری فکری گویی یک چیز جنبی و یک چیز فرعی است. حال اگر این چنین باشد، آن مراحل شناختی (مراحل عقلانی که فرد باید طی کند و به آن مراحل بالا برسد) را دیگر نخواهد دید. تحول عقلانی ما اینگونه است که ما گویی بنایی را می‌سازیم که مثلاً ۱۷ طبقه دارد؛ این طبقات به گونه‌ای هستند که ابتدا باید طبقه اول ساخته شود، بعد طبقه دوم، بعد طبقه سوم و... این توالی پیوسته ثابت است، ولی ضرورت ندارد کسی که به طبقه سیزدهم رسید حتماً به طبقه هفدهم هم برسد. بسیاری از افراد در همان طبقه سیزدهم باقی می‌مانند.

وقتی افکار جانبی به این صورت قالبی در جامعه رواج یابد و غلبه پیدا کند، دیگر فرد خود را درگیر فکر کردن و ساختن ساختهای تفکر انتزاعی نخواهد کرد و به همین خاطر به لحاظ شناختی محدود می‌شود و عقب می‌ماند. این موضوع در مورد پسرها هم صدق می‌کند؛ پسری که خودش را درگیر مسائل شناختی نمی‌کند، می‌تواند این توقف را داشته باشد. بنابراین ما با یک تحول نوعی سروکار داریم و زن و مرد به لحاظ تحول شناختی هیچ تفاوتی با هم ندارند. در باره ویژگی شناختی و در مورد تفاوت بین زن و مرد عنصر دیگری را هم باید ذکر کرد. در مورد خودآگاهی، تحقیقاتی که انجام گرفته نشان داده است که خودآگاهی زنها



مرضی و اختلالی، بحث چیز دیگری است، ولی در یک مطالعه عمومی این عبارت به توسط مردها کمتر بیان می‌شود. اینها را در تحلیل "افسردگی" می‌گویند. وقتی فرد باهوشیاری بالایی به خودش و به خصوصیات بدنی‌اش توجه می‌کند آن وقت عزت نفسش پایین می‌آید و در عین حال تصور بدنی پایینی از خودش دارد. می‌گویند اینها خود به خود منجر به وجود خلق افسرده می‌شود؛ یعنی به شکل طبیعی افسردگی زنها بالاتر می‌رود. البته این تحقیق روی دخترها و پسرهای امریکایی در سه سال قبل انجام گرفته است. در این نوع جوامع به زنها همواره القاء می‌کنند که اگر می‌خواهید خوشبخت باشید و شما را دوست بدارند، باید ظاهری زیبا داشته باشید و چون زنها پیوسته خود را با این ملاک می‌سنجند و احساس می‌کنند از این لحاظ کمبود دارند، این مسأله تسری پیدا می‌کند و افسردگی‌شان را بالا می‌برد. اما در مورد پرخاشگری باید گفت که تحقیقات متعدد نشان داده است پرخاشگری در بین مردها زیادتر از زنهاست، منتها توجه داشته باشیم که وقتی می‌گوییم پرخاشگری، یعنی پرخاشگری بدنی، پرخاشگری فیزیکی در بین مردها بیشتر از زنهاست؛ یعنی زدن، آسیب‌زدن، کشتن، از بین بردن و... در بین مردها بیشتر از زنهاست. ولی در مورد سایر انواع پرخاشگری تقریباً تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود؛ مثلاً پرخاشگری کلامی مثل بدویبراه گفتن، ناسزا گفتن، غیبت کردن که خودش یک نوع پرخاشگری است. "الغیبتُ جهْدُ العاجز"؛ یعنی در حقیقت من به دلیل اینکه نمی‌توانم به لحاظ بدنی یا به شکل مقابله روبرو با فرد مقابله کنم، به شکل غیبت کردن در حقیقت

چهارم، پرخاشگری است. در مورد عزت نفس، باید گفت ارزیابی‌هایی که زنها در مورد عزت نفس خود دارند پایین‌تر از مردهاست. رضایت از تصور بدنی که زنها از خود دارند، پایین‌تر از مردهاست. افسردگی آنها بالاتر از مردهاست. پرخاشگری زنها کمتر از مردهاست. در مطالعه‌ای که روی یک گروه ۶۰۰ نفری از دخترها و پسرها انجام شد به شکل معناداری مشخص گردید که دخترها به دلیل اینکه خود آگاهی‌شان نسبت به خود بالاست، معمولاً خودشان را به لحاظ ارزیابی مثبت، خیلی پایین‌تر از پسرها ارزیابی می‌کنند. باید اشاره کنم که این تحقیق، در سال ۱۹۹۰ در امریکا انجام گرفته است. حالا یک تحلیل فرهنگی هم در باره آن خواهیم داشت. ولی اشاره کنم که این تحقیق با توجه به عناصر فرهنگی و آنچه که خصوصیات فردی زنها اقتضاء می‌کند، انجام گرفته است. پس خود آگاهی بالای زن منجر به این می‌شود که در مورد خودش یک ارزیابی منفی یا ارزیابی پایینی نسبت به مردها ارائه دهد.

زنها معمولاً از خصوصیات جسمانی خودشان کمتر راضی هستند تا مردها. در تحقیقاتی که در جامعه خودمان داریم، گاهی اوقات دختر خانها این موضوع را در پرسشنامه‌هایی که به آنها داده‌ایم اظهار کرده‌اند؛ مثلاً دختری گفته است: "من از اینکه دختر هستم، متنفرم." این در حقیقت یعنی تصور بدنی منفی از خود. این عبارت در مورد پسرها کمتر دیده می‌شود؛ پسرها خیلی کمتر این موضوع را بیان می‌کنند. البته در موارد



تستوسترون تنها عامل نیست.

تلاشهایی که برای تبیین پرخاشگری عوامل اجتماعی و تجربیات شخصی نقش بسیار مهمتری نسبت به عوامل بدنی در پیدایی پرخاشگری دارد.

در مورد عوامل شخصی و شخصیتی اشاره کنم که نقش عوامل محیطی و عوامل تجربه شخصی فرد در میان تفاوتی که ذکر شد، بسیار مهم است.

در مورد ویژگیهای اجتماعی به تحقیقی اشاره و سپس آن را تفسیر می‌کنم:

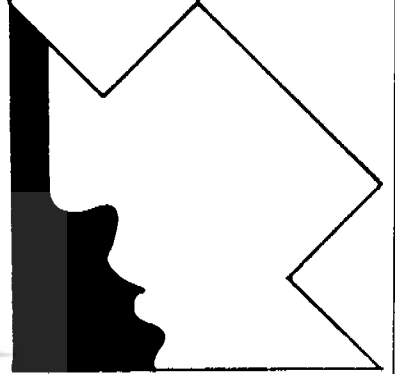
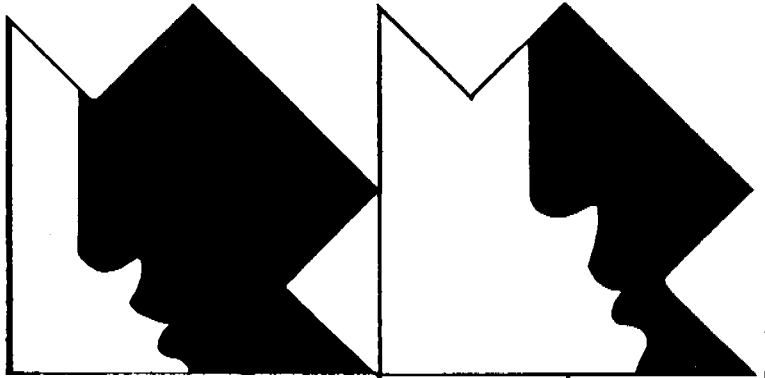
در تحقیقی که در ۳۰ کشور انجام گرفته، یعنی تحقیقی که تقریباً از اینکه در یک جامعه خاص صورت گرفته و وابسته به یک فرهنگ خاص باشد، مُبراست، از مردم در مورد خصوصیات زن و مرد سؤال می‌شود. در جواب

پرخاشگری خود را تخلیه می‌کنم. اصلاً پرخاشگری تعریفش این است: تمایل فرد برای آسیب‌زدن به دیگری. این تمایل می‌تواند در شکلهای مختلفی تجلی پیدا کند؛ شکل فیزیکی و بدنی‌اش در مردها زیاد است و در سایر اشکال از جمله پرخاشگری کلامی، در مورد زن و مرد هیچ تفاوتی وجود ندارد. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که تمامی انواع پرخاشگری که در بین مردها وجود دارد، در بین زنها هم دیده می‌شود؛ مثلاً قتل، کشتن آدم در بین زنها و مردها دیده می‌شود، ولی در بین مردها بیشتر است. حال این سؤال مطرح است که چه عاملی باعث می‌شود که پرخاشگری در بین افراد یک جنس بیشتر باشد و در بین دیگری کمتر؟ مطالعاتی که تا به حال صورت گرفته این گونه بوده است که سعی کرده‌اند پرخاشگری را با توسل به آن رشد داخلی که مربوط به سیستم هورمونی بدن ماست تبیین کنند و بگویند در حقیقت هورمون‌ها، بخصوص تستوسترون (هورمون جنسی مردانه)، عاملی مهم در ایجاد پرخاشگری است و سعی کرده‌اند این مسأله را به وسیله عوامل بدنی تبیین کنند و بگویند مردها به این دلیل پرخاشگتر هستند که سیستم هورمونی‌شان این را اقتضاء می‌کند. تحقیقات هم تا حدی این موضوع را تأیید کرده است. در مطالعاتی که در زندانها انجام گرفته است، آن دسته از مجرمانی که جرایمی چون قتل، دزدی مسلحانه و... دارند در مقایسه با دیگر مجرمین، تستوسترون خونشان بالاتر بوده است؛ یعنی میزان هورمون تستوسترون در این گروه از افراد به شکل معناداری از سایرین بالاتر بوده است. ولی تحقیقات بعدی نشان داده است که

دوانسان وجود داشته باشد و این در دوره بارداری وجود دارد. بعد از تولد کودک، گویی این ارتباطها اندک اندک ضعیف می شود تا به "مرحله فطام" یعنی به مرحله از شیرگرفتن می رسد. از شیرگرفتن باز یک نوع جدایی است که بین مادر و فرزند ایجاد می شود. در یک تحول طبیعی این جدایی می بایست قدم به قدم پیش رود تا به جایی برسد که به لحاظ روانی مادر و فرزند نیز بتوانند از هم مستقل شوند. معمولاً در این سیر استقلالی، در جایی تثبیت به وجود می آید؛ یعنی زن در جایی تثبیت می شود که گویی نمی تواند بچه را همان طور که به لحاظ جسمانی از شیر گرفت، به لحاظ روانی هم از شیر بگیرد. درست در همین جاست که در سیر رشد طبیعی زن، توقف ایجاد می شود؛ یعنی اگر در آن وابستگی که بچه به مادر دارد و مادر به بچه، و می بایست این تحول عادی را طی بکند و به بالا برسد، توقف ایجاد شود، در آن کمال زن هم دچار مشکل و توقف می شود؛ مثلاً مادر وقتی که درباره بچه نوجوان خود سخن می گوید، طوری حرف می زند که گویی یک بچه سه ساله است. وقتی بچه نوجوان هم همین وابستگی را نسبت به مادر داشته باشد، مشکل آفرین می شود و همین افراد هستند که نوعاً در ازدواج شکست می خورند؛ یعنی در آقایی که این وابستگی را دارند، هنوز این جدایی صورت نگرفته است و وقتی وارد مراحل بعد می شوند، نمی توانند این وابستگی به مادر را از خود جدا کنند و مثلاً به همسر خود متصل سازند و چون نمی توانند این کار را بکنند، همین مطلب آنها را پیوسته دچار مشکل می سازد.

در مورد مردها پنج ویژگی را نام می برند و می گویند که مردها افرادی ماجراجو، خودرأی، پرخاشگر، مستقل و کارمدار و زنهای افرادی حساس، لطیف و وابسته هستند. در مقابل پرخاشگر، لطیف را داریم و در برابر مستقل، وابسته را. در اینجا باید دقت شود که در این تحقیق زنهای را افرادی لطیف، هیجانی و وابسته بیان کرده اند و فکر می کنم اگر در جامعه ما هم چنین تحقیقی صورت بگیرد و چنین سؤالی مطرح بشود، مردم چنین جوابهایی را خواهند داد. ولی حالا در این میان یک تجربه مهمی که زنهای دارند و مردها فاقد آن هستند این است که زنهای به لحاظ خصوصیت بدنی خود باردار می شوند، بعد بچه خود را شیر می دهند و او را بعد از شیردادن و در طول شیردادن تحت مراقبتهای خاصی قرار می دهند تا وی را به سن بزرگسالی برسانند. ملاحظه کنید، بارداری در حقیقت یعنی شکل گیری لحظه به لحظه یک موجود در درون زن، در درون انسان. حالا به تجربه ای که فرد همراه با این شکل گیری لحظه به لحظه یک موجود دارد، بنگرید. قطعاً تصور و شناختی بسیار متفاوت از مرد نسبت به انسان ایجاد می کند؛ انسانی که لحظه به لحظه شکل گیری اش همراه خود فرد است. برخی از روان شناسان به وحدت بین مادر و فرزند حتی بعد از تولد اشاره می کنند. وحدت بین مادر و فرزند بدین معناست که گویی در مراحل اولیه، زن وقتی به بچه نگاه می کند، به عنوان تکه ای از بدن خود به او می نگرد؛ تکه ای که از بدن خودش جدا شده، مثل یک عضو خودش؛ به همین دست خودش چگونه نگاه می کند، به همین عضو، یعنی بچه هم چنین نگرشی دارد. این کسامترین وابستگی است که می تواند بین

زینب سر در کتر افروز



مشاوران پیوند
پانجمی دهندا

دلایل گوناگون از جمله مسائل خانوادگی، شغلی و برخی نگرشها و سلیقه‌های شخصی تا کنون ازدواج نکرده‌ام. از نظر دوستان، بستگان و همکارانم شخصیت مورد پسندی دارم و بارها بعضی از ایشان پیش قدم شده و فرد موجهی را برای ازدواج معرفی کرده‌اند.

اکنون حدود دو سال است که با یکی از همکاران آشنا شده‌ام و واقعاً همدیگر را

خانم م - راز تهران :

با سلام خدمت مسؤلان محترم مجله پیوند و تشکر از راهنماییهای ارزنده و مؤثر مشاوران آن، به خود اجازه دادم که با طرح مسأله‌ای با شما، زحمتی را برایتان فراهم آورم.

من خانمی دیپلمه و معلم یکی از مدارس راهنمایی تهران هستم. ۴۴ سال سن دارم و به

طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از مادران جوان است، ضروری است با مراجعه به یکی از مراکز مشاوره ژنتیکی و در صورت لزوم انجام آزمایشهای ضروری حداقل از سلامت کروموزمها و ژنها اطمینان حاصل نمایید. بدیهی است که بعد از مشاوره‌های پزشکی و روان-شناختی و بررسی جنبه‌های مختلف این امر مهم، تصمیم‌گیری نهایی به عهده شما خواهد بود.

در اینجا لازم است توجه خاص شما خواهر محترم را به این نکته بسیار مهم جلب نمایم که فرزند هبه الهی است و تربیت او یک مسؤلیت خطیر برای والدین به شمار می‌آید. اگر به محیط اطراف خود بنگریم و تشکل خانواده‌های مختلف را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که بعضی از خانواده‌ها صاحب فرزند شده، ولی او را در حادثه‌ای از دست داده‌اند و اینک بدون فرزند زندگی می‌کنند. برخی از زوجین نیز متأسفانه از هم جدا شده‌اند و فرزندانشان کاملاً بلا تکلیف بوده و دچار سرنوشتی ناخوشایند شده‌اند. و سرانجام خانواده‌هایی وجود دارد که بنابر دلایلی صاحب فرزند نشده‌اند، اما گامی برتر و متعالی‌تر برداشته، سرپرستی و تربیت کودک یتیم و بی‌سرپرستی را عهده‌دار شده‌اند. چنین پدران و مادرانی صاحب فرزندان عرشی شده، از زندگی پربرکت و سعادت‌مندی برخوردار هستند.

شما نیز می‌توانید ضمن بررسی راه حل اول یعنی اینکه خودتان در اندیشه فرزند آوری باشید، به این موضوع نیز فکر بکنید که کودک خردسالی را به فرزند پذیرید و برای او مادری مهربان و پدری دلسوز باشید و کانون خانواده را مملو از ثواب و برکت سازید.

دوست داریم. ایشان یک بار ازدواج کرده، ولی از همسرشان جدا شده‌اند و فرزندى هم ندارند. فرد مورد نظر دوسال از من بزرگتر است.

در هر حال ما تصمیم به ازدواج داریم و این تصمیم برای من بسیار مهم است. هر دوی ما مایل هستیم که صاحب فرزند هم بشویم، اما مشکل اینجاست که با توجه به احتمال تولد نوزادان معلول از مادرانی که در سنین بالای ۳۵ سال باردار می‌شوند، بسیار نگران هستیم. لطفاً ما را در این زمینه راهنمایی بفرمایید.

خواهر محترم خانم م - ر

شما هم سلام گرم ما را پذیرا باشید. پیش از هر سخن برایتان آرزوی سلامت، سعادت و رستگاری داریم.

در پاسخ به سؤال مهمی که مطرح فرموده‌اید، توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنیم.

اول اینکه اصل تصمیم شما، تصمیم درست و بحقی است که در اولین فرصت با فرد واجد شرایطی ازدواج کنید و تشکیل خانواده بدهید.

این ازدواج فی نفسه ولو اینکه فرزندى هم در میان نباشد، ان شاء الله پربرکت بوده، خانواده شما کانون آرامش و بستر رشد متعالی‌تر شخصیت زوجین خواهد بود.

در جامعه ما بسیاری از خانواده‌ها هستند که در عین آرامش خاطر و سعادت‌مندی، بدون فرزند زندگی می‌کنند. بدین ترتیب که یا از ابتدا فرزندى نداشته‌اند و یا اینکه فرزندان خانواده ازدواج کرده و پدر و مادر را ترک کرده‌اند.

اما چنانچه شما بخواهید صاحب فرزندى شوید، با توجه به اینکه احتمال تولد نوزادان آسیب‌پذیرفته از مادران سنین ۳۵ و ۴۰ ساله به

گزارشی از برگزاری کنگره

سازمان آموزشهای علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO) و فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء (FIEP)، سال ۱۹۹۴ میلادی را سال جهانی خانواده اعلام کرده است. به همین مناسبت و با توجه به اهمیت نقش خانواده در تربیت نسل، دفتر مرکزی انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران اقدام به برگزاری "کنگره سال جهانی خانواده" کرد.

در این کنگره که در روزهای ۲۵ و ۲۶ مهرماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار شد، جمعی از استادان دانشگاه، مدیران کل و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش، نمایندگان کمیته ملی بزرگداشت سال جهانی خانواده از وزارتخانه‌ها و سازمانهای عضو کمیته ملی خانواده در جمهوری اسلامی ایران، نمایندگان از یونسکو، سازمانهای تخصصی بین‌المللی در تهران و وزارت امور خارجه، میهمانی از کشور قطر، دبیر اول سفارت مصر، وابسته فرهنگی کشور فرانسه، نماینده کمیساریای پناهندگان ملل متحد و... حضور داشتند.

کنگره سال جهانی خانواده با تلاوت آیاتی از قرآن مجید فعالیت خود را آغاز کرد و پس از اجرای سرود جمهوری اسلامی ایران، پیام مقام محترم ریاست جمهوری به توسط جناب آقای اژه‌ای معاون محترم فرهنگی رئیس جمهوری قرائت گردید.

سال جهانی خانواده

خانواده سالم
شکوفایی استوار فرزندان

کنگره
سال جهانی خانواده

INTERNATIONAL
FAMILY YEAR
CONGRESS

دانشگاه تهران تالار فردوسی

TEHRAN UNIVERSITY FERDOWSI HALL

۲۵ و ۲۶ مهرماه ۱۳۷۳

17.18 OCTOBER 1994

انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران



پیام مقام محترم ریاست جمهوری

فرو ریختن است و اگر خردمندان و متفکران برای جلوگیری از این پیشامد تدابیر لازم را اتخاذ نکنند، بخش عظیمی از ارزشهای والای انسانی دستخوش خطر خواهد شد و بشریت با بحرانهای مضاعفی مواجه خواهد گردید. سست شدن اساس خانواده، افزایش خشونت، اضطراب، ناامنی و بحرانهای اجتماعی به واقع ریشه در عدم توجه به اهمیت و نقش خانواده دارد.

برگزاری کنگره سال جهانی خانوادگی به توسط انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران حرکتی در جهت انجام مطالعات علمی در زمینه تحکیم کانون خانواده و ایجاد انگیزه در پژوهشگران علوم اجتماعی برای شناخت عوامل تقویت مبانی این نهاد حساس و سرنوشت ساز بشری است.

بدون تردید اعتقاد به خدا و رعایت موازین دینی مهمترین عامل حفظ کیان خانواده در

خانواده اولین و مهمترین نهاد در تاریخ فرهنگ و تمدن انسانی است و اولین مدرسه‌ای است که انسان در آن تعلیم می‌یابد و با اصول زندگی اجتماعی و روش تفاهم با دیگران آشنا می‌شود. بنابراین تقویت این مرکز متضمن اعتدال و اعتدالی جامعه است.

خانه فضایی است که در زیر سقف آن ارزشهای اخلاقی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و اسباب رشد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی افراد فراهم می‌گردد. ادیان الهی بالاخص دین مبین اسلام از نهاد خانواده حمایت کرده، برای حفظ و بهبود کارکردهای آن اهمیت زیادی قائل است. در جهان امروز متأسفانه به رغم تعالیم حیات بخش انبیاء، بنیان خانه و خانواده در کشورهای صنعتی در حال

سیزده
سال
سانی
انواده



جهان امروز است. انسان معاصر هرچه بیشتر به خدا نزدیک شود از آرامش و امنیت فردی و اجتماعی افزونتری برخوردار خواهد شد. دین مبین اسلام قویترین پشتوانه برای نهاد خانواده به شمار می آید و با ارائه قوانین و روشهای خردمندانه قوام و دوام خانواده را تضمین می نماید.

شایسته است اولیاء و مربیان گرامی در هفته پیوند در جهت همکاری و مشارکت خانه و مدرسه برنامه ریزی کنند و راه را برای پرورش استعدادهاى آینده سازان انقلاب اسلامى هموار سازند.

برای تکریم جایگاه ارزشمند خانواده و جلوگیری از بروز اختلال در این کانون مقدس باید منشور آموزش خانواده براساس تعالیم انبیا و با استفاده از دستاوردهای علوم جامعه شناسی و روان شناسی تدوین شده، در دسترس متولیان تعلیم و تربیت کشورها قرار گیرد؛ تا از این رهگذر افکار عمومی ملتها باروش درست زندگی کردن بیشتر آشنا شوند و برای تحکیم نهاد خانواده تلاش کنند.

از خداوند بزرگ برای همه حافظان حریم کانون خانواده و پرورش دهندگان نسل جوان موفقیت خواستارم.

پس از قرائت پیام رئیس محترم جمهوری، پیام آقای بطروس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد که به مناسبت سال جهانی خانواده تهیه شده و نسخه ای از آن برای کنگره سال جهانی خانواده در تهران ارسال گردیده بود، خوانده شد. در بخشهایی از پیام ایشان آمده است:

سال جهانی خانواده بحث و جدل در سراسر دنیا را برانگیخته است. بسیاری از باورهای سیاسی تبیین گشته و بازتاب اندیشه ها در قالب مطرح شدن بینشهای نو تجلی یافته است.

اینک پس از تمامی تردیدها و سردرگمی ها، همگان نقش خانواده در جامعه انسانی را باور دارند. امروز واقع نگری در جامعه حکم فرماست و همگان این واقعیت را پذیرفته اند که خانواده نهاد بنیادی جامعه بشری است. در واقع جامعه خود ساختاری است که پایه و اساس آن را خانواده ها تشکیل می دهند و روابط

عشق است و صلح و صفای جامعه در گرو سازگاری در خانه. خوشبختی و سعادت ملت در گرو صلح و صفای جامعه است و زمانی که ملتی سعادتمند باشد دنیا هم به صلح و آرامش می‌رسد.

سازمان ملل متحد ضمن حمایت از خانواده‌ها در تمامی دنیا، دستاوردهای سال جهانی خانواده را گرامی می‌دارد.

در بخش دیگری از برنامه‌های افتتاحیه کنگره سال جهانی خانواده، آقای سیداحمد زرهانی قائم مقام وزیر آموزش و پرورش در انجمن اولیاء و مربیان ضمن عرض خیرمقدم به میهمانان، گزارش کوتاهی از فعالیتهای انجمن اولیاء و مربیان رابه مناسبت بزرگداشت سال جهانی خانواده ارائه فرمودند.



ایشان اظهار داشتند: در سال گذشته قبل از

تک تک اعضای جامعه در چهارچوب خانواده تعیین می‌شود.

خانواده همچون دولت، ملت و این سازمان جهانی، نظامی زنده، پویا و کارآمد است که باید بابسبباری از تحولات دنیای کنونی خود را سازگار سازد.

خانواده‌ها نیاز به حمایت واقعی از طریق سیاست‌گذارها، برنامه‌ریزی و خدمات رسانی دارند و تمامی این تسهیلات مستلزم توجه به نیازهای خانواده و مشارکت همگان است.

هدف باید قدرت بخشیدن به خانواده در جهت ایفای نقش و انجام وظایف در جامعه باشد و بحث در باره نقش خانواده مقارن با بازنگری نقش سازمان ملل متحد در امر توسعه است. این دو مقوله با هم تداخل دارد و نمی‌توان این دو را جدا از یکدیگر دانست. در نتیجه همگان این حقیقت را پذیرفته‌اند که هرگونه اقدام به منظور حمایت از خانواده‌ها، در جهت تلاش در امر توسعه بسیار حائز اهمیت است.

خانواده‌ها نگرش اعضای جامعه را در قبال حقوق بشر و رعایت آن در رفتار اجتماعی دگرگون می‌سازند. در واقع خانواده نخستین مکانی است که آدمی در آن احترام به حقوق بشر را فرا می‌گیرد.

خانواده‌هایی که به کودکان صبر و شکیبایی را می‌آموزند، بهترین آموزگاران رعایت حقوق بشر به شمار می‌روند و رعایت انصاف و عدالت اجتماعی در چهارچوب خانواده، بهترین تضمین برای حفظ این ارزشها در جامعه است. اجازه بدهید با بیان دیدگاههای کنفوسیوس سخنانم را این گونه خاتمه دهم:

وفاق و سازگاری در خانه در گرو ازدواج با



تأسیس مدرسهٔ اولیا براساس یک روش علمی و قابل قبول در دست اجراست و برای جوانان قبل از تشکیل خانواده کلاسهای آموزشی ترتیب داده شده است.

در سال گذشته به مناسبت سال جهانی خانواده ۲۰ عنوان کتاب چاپ شد که برخی از آنها ۳ تا ۴ مرتبه تجدید چاپ گردیده است. جشنوارهٔ فیلم خانواده هم در سال گذشته برگزار شد و امسال نیز دومین جشنوارهٔ فیلم خانواده را خواهیم داشت.

به طور کلی جمهوری اسلامی ایران یکی از فعالترین کشورها در جهت آموزش خانواده‌هاست و امیدواریم که سال ۱۹۹۴ شروع برنامه‌ریزی برای استحکام خانواده‌ها باشد؛ چراکه اگر متفکران جهان برای استحکام خانواده چاره اندیشی نکنند، خشونت‌ها رو به افزایش خواهد بود.

پس از بیانات آقای زرهانی، بیانیهٔ جمهوری

فرا رسیدن سال ۱۹۹۴ مقدمات گرامیداشت سال جهانی خانواده را فراهم کردیم و با برگزاری کنگره‌ای در حسینیهٔ ارشاد به استقبال سال جهانی خانواده رفتیم. برنامهٔ آموزش خانواده سازمان دهی جدیدی پیدا کرد و عده‌ای از استادان و علما مسؤول تألیف و تنظیم متون جدید برای کلاسهای آموزش خانواده شدند و صاحب‌نظران مطالب تازه‌ای را در کلاسهای آموزش خانواده در اختیار خانواده‌ها قرار دادند. همچنین برای تحکیم نهاد خانواده مراکز مشاورهٔ خانواده در سراسر کشور تأسیس شده است که تا پایان سال تعداد آنها به ۷۵ مرکز خواهد رسید.

از دیگر برنامه‌های دفتر مرکزی اولیاء و مربیان تشکیل کمیته‌ای برای آموزش جامع خانواده به منظور جلوگیری از سست شدن آن است. فیلمهای کوتاه مدت نیز در ارتباط با مسائل خانواده تولید شده است.

مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متفاوت است لیکن در کلیه موارد، خانواده اساس ساختار اجتماعی و نیروی محرکه در فرایند توسعه به شمار آمده، تقویت آن، تقویت عمومی جامعه است؛ همچنانکه مشکلات خانواده‌ها بیانگر مشکلات عمومی در جهان است.

۳- هریک از اعضای خانواده- زنان، مردان، جوانان، کودکان، سالمندان و افراد معلول نیازمند نوعی حمایت هستند. همه آنها بایستی در فرایند تصمیم‌گیریها و سیاست‌گذاریهایی که به نوعی به آنان مرتبط است مشارکت جویند. اما در هر حال حمایت از نظام خانوادگی حمایت از همه اعضا آن است.

۴- همه اعضای خانواده بایستی از نیازهای اولیه انسانی همچون تغذیه، پوشاک، بهداشت، مسکن و آموزش مناسب برخوردار بوده، بتوانند با استفاده از امکاناتی که جامعه و دولت در اختیارشان می‌گذارد، راه رشد و بهروزی را پیمایند.

۵- وضعیت خانواده‌ها تصویر کاملی از نقاط ضعف و قوت فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دست داده، بر همین اساس عنصر اساسی در رهیافتن همه جانبه به سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع به شمار می‌رود.

۶- خانواده‌ها مهد پای‌گیری و استواری ارزشهای انسانی و اخلاقی نسلهای آینده‌اند و در هدایت مسیر جوامع به سوی نیکبها و ارزشهای اخلاقی نقش اساسی ایفا می‌کنند.

به رغم توافق عمومی در مورد اهمیت نقش خانواده باید اذعان داشت که سیاستگذاریها و تغییرات ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و

اسلامی ایران در مورد سال جهانی خانواده به توسط نماینده وزارت امور خارجه، خواهر زهرا عباسی قرائت گردید. در این قسمت از گزارش متن بیانیه مزبور از نظر گرامی‌تان می‌گذرد:

خانواده که هسته اولیه هر اجتماعی را تشکیل می‌دهد دارای کارکردهای حیاتی و اساسی است. وجود خانواده‌های سعادتمند، امیدوار و با ثبات عامل اساسی در حفظ ثبات اجتماعی، اقتصادی، ارتقای موازین اجتماعی و توسعه کلی جوامع به شمار می‌آید. خانواده را به دلیل کارکردهای متنوع، متعدد و با اهمیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می‌توان کانون حرکت ارزشهای مدنی نوع بشر خواند. عناصر و دیدگاههای مشترک در مورد خانواده را اجمالاً در اشکال زیر می‌توان برشمرد.

- ۱- خانواده به عنوان واحد اصلی و بنیادین جامعه نیازمند حمایت مردم و دولت می‌باشد.
- ۲- هرچند مفهوم خانواده در نظامهای



عاطفی، مالی و مادی اعضای آن، هرچه بیشتر تقویت نمود. بعلاوه خانواده در معنای وسیع خود محمل طبیعی انتقال ارزشهای فرهنگی و عامل مهمی در حفظ هویت فرهنگی جامعه است که می‌تواند به آموزش و پرورش، تربیت، تشویق و اصلاح تک‌تک اعضای خود بپردازد و به این ترتیب آنان را برای ارتقاء و رشد فرهنگی و اخلاقی و نیز پیوستن به فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی آماده سازد. این عملکردهای متنوع و با اهمیت خانواده، بسیار ضروری و لازم به نظر می‌رسد، چرا که در دنیای امروز به واسطه جریان مدرنیته کردن و عدم تعادل در نظامات بین‌المللی و ملی، خانواده‌ها تحت فشارهای مختلف اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر تهاجم فرهنگی سعی دارد جوامع مختلف را از هویت واقعی خود بیگانه سازد. لذا نظام جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس خود کوشش نموده است تا محیطی مساعد برای تشکیل نظام خانواده در کشور ایجاد کند.

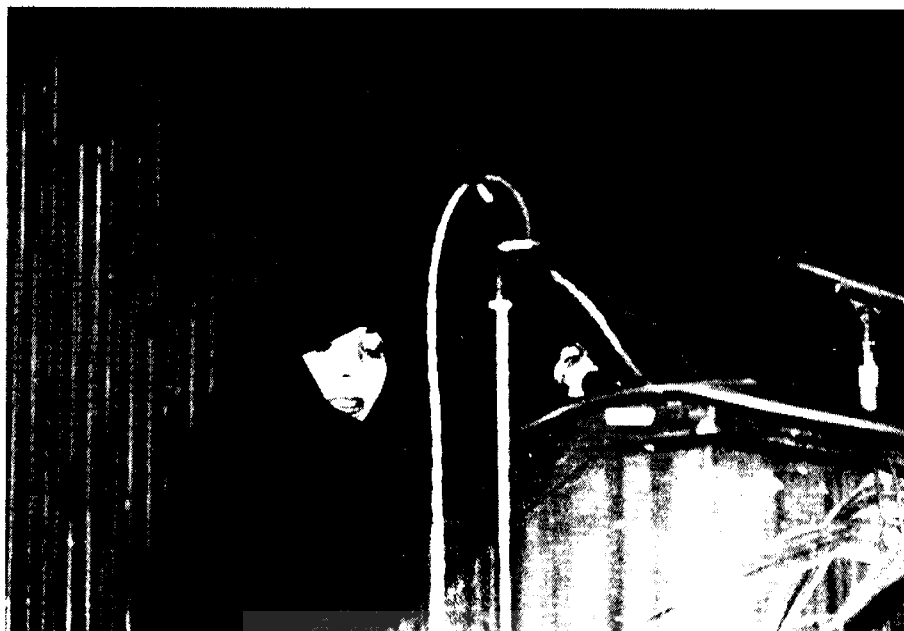
اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خانواده را به عنوان واحد بنیادین جامعه اسلامی دانسته، جهت‌گیری کلی همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزیهای ملی را در جهت تسهیل تشکیل خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی تعیین نموده است. اصل بیست و یکم قانون اساسی دولت را موظف می‌سازد تا حقوق زن، به عنوان یکی از ارکان اصلی خانواده را با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید. همین اصل موارد مشخصی را در همین راستا مورد تأکید قرار می‌دهد:

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد

فرهنگی در دهه‌های اخیر توسعه و گسترش فعالیت‌های جدید اقتصادی و ملاحظاتی ناهمگون فرهنگی فرامرزی در میان سایر عوامل، دوری از خانه و تضعیف نظام خانوادگی را به دنبال داشته و سنت‌ها و ارزشهای اعتقادی بعضاً یا کلاً به فراموشی سپرده شده است. در نتیجه امروزه افراد عمدتاً مسؤلیت کمتری نسبت به روابط خانوادگی احساس می‌کنند و توانایی بسیاری از خانواده‌ها در رفع نیازهای اولیه اعضای خود کاهش یافته است. خانواده به دلیل مصلحت‌های اقتصادی، کوچکتر و آسیب‌پذیرتر شده، خدمات رفاهی برای آن کاهش یافته و بر سنگینی بارخانواده‌ها افزوده گردیده است و این بهای سنگینی است که دنیای امروز بابت رشد سریع اقتصادی پرداخته است.

دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظام خانواده

جایگاه خانواده در نظام جمهوری اسلامی ایران انعکاسی از نقش و عملکرد بسیار با اهمیت خانواده در نظام اعتقادی اسلام است. جمهوری اسلامی ایران به خانواده به عنوان کانون اصلی رشد و تعالی انسان و ارتقای ارزشهای فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و عامل حفظ ارزشهای انسانی، هویت فرهنگی و تداوم تاریخی می‌نگرد و این نهاد را به سبب نقشهای بسیار مهم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که بر عهده دارد، مورد حمایت خود قرار می‌دهد و اعتقاد دارد که این نهاد را بایستی به عنوان چارچوبی طبیعی و منحصر به فرد برای حمایت



می‌سازد تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه تا پایان دوره متوسطه و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به صورت رایگان گسترش دهد.

اصل ۳۱ قانون اساسی بر تهیه مسکن خصوصاً برای روستائیان و کارگران به توسط دولت تأکید دارد.

و سرانجام اصل ۴۳ قانون اساسی به لزوم تأمین نیازهای اساسی مسکن، تغذیه، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه اشاره می‌نماید.

حفظ و تقویت نظام خانوادگی یکی از اهداف استراتژیک نظام جمهوری اسلامی ایران است. جایگاه خانواده در نظام اعتقادی اسلامی، جایگاهی اساسی و بنیادی است و خانواده اسلامی با توجه به ابعاد مادی و معنوی انسانی از هویت اخلاقی فرزندان پاسداری

شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او

۲- ایجاد دادگاه ویژه برای حفظ کیان خانواده

۳- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست

۴- حمایت مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت و حمایت از کودکان بی سرپرست

۵- اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته

اصل ۲۹ قانون اساسی از لزوم برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره به عنوان یک حق همگانی یاد می‌کند.

اصل ۳۰ قانون اساسی دولت را موظف



نموده، در عین حال آنان را برای مشارکت در توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه مهیا می‌سازد. برآن اساس جمهوری اسلامی ایران با عنایت به جایگاه خاص خانواده در نظام اسلامی همگام با سایر اعضای جامعه بین‌المللی در فعالیتهای مربوط به اعتلای خانواده شرکت جسته است و در چهارچوب کمیته ملی با همکاری ارگانهای مسئول اقدام به تهیه گزارش ملی نموده، و بعلاوه طرحهایی نیز به این منظور ارائه کرده است.

ضمن مغتنم شمردن این فرصت امیدواریم آنچه جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با تحکیم و تقویت نظام خانواده انجام می‌دهد گامی مؤثر در پیشبرد رهیافتهای بین‌المللی باشد.

تعلیم و تربیت که ریاست علمی کنگره را نیز به عهده داشتند طی بیانات خود فرمودند:

خانواده یک محیط تربیتی است. در ابتدا ممکن است تصور شود که تربیت امر روشنی است، ولی بعضی از لغات به قدری با ارزش است و مهم پنداشته می‌شود که اشخاص کمتر در باره آنها می‌اندیشند. از جمله چیزهایی که ارزش واقعی دارد و اصولاً ارسال پیامبران برای آن امر بوده است، مسأله تعلیم و تربیت است. ...تعلیم و تربیت هدایت فرد است و باید فرد را بشناسیم و بدانیم که چه کسی را باید هدایت کنیم. در تربیت اسلامی انسان یک موجود اجتماعی است و از احساسات و عواطف برخوردار است. ما با موجودی سروکار داریم که بعد معنوی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و بدنی دارد و ما با هدایت تمامی این ابعاد سروکار داریم

محیط خانواده، محیط مقدسی است و

سخنرانیها

درکنگره سال جهانی خانواده جمعی از اندیشمندان جامعه به ایراد سخن پرداختند که در این بخش از گزارش به گوشه‌هایی از بیانات این صاحب‌نظران اشاره می‌شود. امیدواریم که در شماره‌های آینده مجله پیوند مشروح سخنرانیهای مزبور را از نظر خوانندگان گرامی بگذرانیم.

دکتر علی شریعتمداری

خانواده سالم، جامعه سالم، فرهنگ پویا

جناب آقای دکتر علی شریعتمداری عضو محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی و استاد

آقای دکتر افروز رئیس دانشگاه تهران در سخنان خود به تشریح نقش خانواده در شکل‌گیری جامعه‌ای سالم پرداختند و در بخشهایی از بیانات خود چنین اظهار داشتند:

خانواده‌ها به عنوان اصلی‌ترین پایگاه رشد و شکوفایی شخصیت و مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان، اساسی‌ترین سهم را در سلامت جامعه بشری عهده‌دار هستند.

پیشگیری از تعارضات و اختلالات روانی در گرو سلامت خانواده است و بستر تبلور نوآوری‌ها و خلاقیت‌های ذهنی نیز خانواده است و بس. بنابراین اگر بخواهیم از جامعه‌ای سالم و پویا برخوردار باشیم، چاره‌ای جز تشکیل خانواده و استحکام بخشیدن به آن نداریم. برنامه‌های ویژه آموزش جوانان برای ازدواج از جمله کارهای خطیر جمهوری اسلامی است و ایجاد نگرش‌های مثبت در اعضای خانواده‌ها، افزایش دانش و بینش سیاسی، اجتماعی و مذهبی از جمله فعالیت‌هایی است که باید در تحکیم بخشیدن و دوام و قوام خانواده مورد نظر باشد.

آقای دکتر افروز رمز مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن را استحکام خانواده و سرمایه و ابزار خانواده را برای این تقابل فرهنگی ابراز محبت دانستند. ایشان عامل اصلی موفقیت خانواده را انتخاب همسر نیکو معرفی کردند و به استناد آیه کریمه قرآن زن و شوهر را همچون لباسی برای یکدیگر توصیف فرمودند که پوشاننده عیوب همدیگر، مصون نگاه دارنده از آسیب‌های اجتماعی و گرما بخش وجود هم توانند بود.

ارکان اصلی خانواده انس و الفت و عطوفت است. در محیط خانواده است که ارزشهای معنوی کم‌کم ریشه می‌گیرد و پایه اخلاقی فرد گذاشته می‌شود. در خانواده است که فرد یاد می‌گیرد با دیگران همکاری کند و مسؤولیت بپذیرد و سرانجام خانواده است که استحکام جامعه را تأمین می‌کند و مشکل غرب این است که خانواده در آن متزلزل شده است. علت بزهکاری و اعتیاد در جوامع غربی نبود ارزشهای اخلاقی در خانواده و وجود آزادی لجام گسیخته فردی است. غرب می‌خواهد با اشاعه ارزشهای کاذب در قالب تهاجم فرهنگی، فرهنگ خود را در جوامع دیگر گسترش دهد. ما نباید از غرب پیروی کنیم و قداست خانواده را از بین ببریم.

دکتر غلامعلی افروز

چرا برای ساختن جامعه سالم، به خانواده‌هایی با شالوده محکم و سالم نیاز داریم؟



لطفاً ورق بزنید

سقوط خواهد کرد. در حال حاضر تعداد زیادی از قتلها و تجاوزات در جامعه امریکا به دست جوانان زیر ۱۸ سال انجام می شود و اینان فرزندان مادران بی شوهر هستند. این جوانان به الکل و مواد مخدر معتاد هستند و با خانواده زندگی نمی کنند، اینان محصول خانواده های از هم گسسته اند.

آیت الله ابراهیم امینی نقش ایمان و اعتقاد در تحکیم خانواده

حضرت آیت الله امینی حول محور نقش ایمان و اخلاق در قوام خانواده به ایراد سخن پرداختند و ضمن اشاره به وضع ناهنجار و نابسامان خانواده در جهان کنونی بویژه در جوامع غربی فرمودند:

امروزه بنیاد خانواده به آن وصفی که از قدیم بود، مخصوصاً در جوامع غربی روبه تزلزل

دکتر شکوه نوابی نژاد بحرانهای اجتماعی و روانی در جهان معاصر و ارتباط آن با تزلزل در بنیاد خانواده



خانم دکتر نوابی نژاد دیگر سخنران کنگره سال جهانی خانواده ضمن قدردانی از فعالیتهای انجمن اولیاء و مربیان در جهت آموزش خانواده به ارائه نمونه هایی از بحرانهای اجتماعی و روانی در جهان معاصر بویژه جوامع غربی پرداختند. ایشان در بخشی از گفتار خود فرمودند:

خانواده سنگ زیر بنای جامعه بزرگ انسانی است و بدون شک در استحکام روابط اجتماعی و رشد و تعالی هریک از اعضای جامعه نقش بنیادی دارد. ایشان در ادامه گفتار خود افزودند: ... هرگونه تغییر مثبت و یا منفی در خانواده، جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. جوامعی که در آنها ارزشهای خانوادگی متزلزل شود، بدون تردید ارزشهای اخلاقی و مذهبی نیز در آنها



خانواده به دلایل پنجگانه‌ای اشاره فرمودند که به اجمال از نظر گرامی‌تان می‌گذرد:

۱- گذشته‌ها و فداکاریهای بسیار با اهمیت (چه به صورت فردی و چه به شکل دسته جمعی) در راه تقلیل آلام و ناگواریها و تأمین آسایش یکدیگر.

۲- احساس لزوم جبری تعاون و همیاری و هماهنگی برای امکان پذیر ساختن زندگی دسته‌جمعی.

۳- وجود انگیزه‌های انقلابات انسانی در گذرگاه قرون و اعصار در جهت اقامه عدالت و آزادی که منشاء آن محبت به هموع است.

۴- ریشه‌های رشد و تکامل که در هر جامعه و در هر برهه‌ای از تاریخ وجود داشته است، از احساسات تصعید شده سرچشمه می‌گیرد.

۵- انباشته بودن آثار ادبی و تألیفات بشری از واژه‌های مهر و محبت، به گونه‌ای که اگر آنها را حذف کنیم جمله‌ای برای خواندن باقی نمی‌ماند.

است، آمار طلاق بسیار بالاست و زندگی انحرافی و فرزندان نامشروع بی‌بدر و فجایع و جنایت‌هایی که به این سبب به وجود می‌آید خردمندان و دانشمندان را نسبت به وضع آینده خانواده پریشان و نگران کرده است.

آیت الله امینی در سخنان خود به این نکته اشاره فرمودند که چاره اندیشی‌های مجامع بین‌المللی برای جلوگیری از اضمحلال خانواده تنها با تکیه بر قوانین میسر نیست، بلکه باید موضوع اخلاق را نیز مورد عنایت قرار داد. ایشان فرمودند آنچه که مایه قوام خانواده است انس و مودت و محبت و مهربانی میان زن و شوهر و دیگر اعضای خانواده است و این را نمی‌توان با اعمال قانون ایجاد کرد، بلکه علاوه بر قوانین و دفاع از حقوق زن و مرد، ضروری است به وسیله اخلاق و هدایت و راهنمایی اخلاقی زن و مرد بنیاد خانواده را محکم ساخت.

استاد محمد تقی جعفری

اصالت تشکل خانواده و منطق علمی و احساس عمیق در باره آن

استاد محمد تقی جعفری نخستین سخنران روز دوم کنگره سال جهانی خانواده بودند. ایشان با بیانی استوار و علمی و متکی بر معرفت اسلامی به اثبات اصالت تشکل خانواده پرداختند و در زمینه ضرورت تشکیل خانواده اظهار داشتند:

انسان مانند خطی از حروف سربی نیست، بلکه سطری خوانا از کتاب کل هستی است که باب اساسی آن خانواده است.

استاد جعفری در اثبات اصالت تشکل



جهانی خانواده از سوی سازمان ملل متحد دراز کردن دست نجات به سوی ادیان است. ایشان در ادامه سخنان خود زیانهایی را که در اثر فروپاشی خانواده متوجه جامعه می‌شود در قالب هفت بخش بیان داشتند که به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

۱- نخستین اختلال ناشی از فروپاشی خانواده، اختلال در جمعیت است. به عبارت دیگر در جامعه‌ای که زنان و مردان جوان علاقه و انگیزه‌ای برای تشکیل خانواده نداشته باشند، فرزند آوری به صفر می‌رسد.

۲- زیان دیگر ناشی از فقدان عواطف است. جامعه‌ای که خانواده نداشته باشد، از کانون اصلی ایجاد محبت و عاطفه بی‌بهره است.

۳- مشکل دیگر مشکل اخلاقی است، زیرا پدر و مادری وجود ندارد که نسل جوان را کنترل کند.

۵- با فروپاشی خانواده، آموزشگاه طبیعی آموزش سنتها و آداب و رسوم و فرهنگ از بین می‌رود.

۶- با تزلزل و فروپاشی خانواده، جامعه از نظر اقتصادی زیان می‌بیند؛ زیرا علاقه متقابل فرزند و والدین یک تعاونی اقتصادی متقابل می‌سازد.

۷- با تلاشی خانواده، زمینه برای ارتکاب جرایم بیشتر از جامعه‌ای است که در آن افراد علقه عاطفی داشته باشند.

آقای دکتر علی قائمی اسلام، خانواده و جامعه

آقای دکتر علی قائمی که آخرین سخنران کنگره سال جهانی خانواده بودند به بررسی

استاد محمدتقی جعفری در پایان سخنان خود با استناد به دلایل فوق به این نتیجه می‌رسند که: بشر به هر وسیله‌ای است باید از اختلال و نابودی خانواده پیشگیری کند، زیرا نخستین و اصیل‌ترین منبع و منشأ حس محبت، همبوع‌گرایی، وحدت و برادری انسانها، خانواده است.

دکتر غلامعلی حدّاد عادل زیانه‌های جامعه در اثر فروپاشی خانواده



آقای دکتر حداد عادل ضمن بیان این نکته که یکی از امتیازات و افتخارات ادیان توجه به خانواده است و بویژه در اسلام و قرآن تأکید شایان توجهی برحفظ خانواده شده است، خاطر نشان ساختند که بی‌توجهی به خانواده روز به روز عوارض منفی خود را در کشورهای پیشرفته آشکارتر می‌کند و در واقع اعلام سال

افزودند: دولت وظیفه دارد که برای حل مشکلات و مسائل خانوادگی برنامه‌ریزی کند؛ چرا که دنیای امروز را جز از طریق خانواده نمی‌توان نجات داد.

تشکیل میزگرد

یکی دیگر از برنامه‌های کنگره دو روزه سال جهانی خانواده تشکیل میزگردی با حضور آقای دکتر حداد عادل، آقای دکتر قائمی، آقای دکتر شریعتمداری و سرکارخانم دکتر نوایی نژاد بود. در این میزگرد به سؤالات حاضران در باره موضوعات مطرح شده در کنگره پاسخ داده شد.



INTERNATIONAL
YEAR
CONGRESS



خانواده و جامعه از دیدگاه اسلام پرداختند. ایشان در بخشی از سخنان خود اظهار داشتند: تمام مشکلات و مسائل جامعه ریشه در خانواده دارد و ارزشها، رسوم و آداب و سنن نیز در خانواده شکل می‌گیرد. لذا اسلام سعی دارد تمام اهداف و برنامه‌های خود را در واحد کوچک خانواده شکل دهد.

در اسلام اولین قدم در بعد تأسیس خانواده، تشویق به ازدواج و توصیه به والدین است. در بعد تشکیل جامعه آرمانی، اسلام اقداماتی را در خانواده آرمانی انجام می‌دهد و زندگی خانوادگی را در بعد حقوقی مطرح می‌کند (حق زن، شوهر و فرزندان). اسلام عوامل تزلزل خانواده را نفی می‌کند و اجازه نمی‌دهد که حقوق اجتماعی ضایع شود.

آقای دکتر قائمی در پایان سخنان خود

همچنین در طول برگزاری کنگره، نمایندگان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت کار و امور اجتماعی، نهضت سوادآموزی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی، دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و سازمان تأمین اجتماعی گزارشهایی در مورد عملکرد

مقدم بر هر چیز است. پیوند زن و مرد، یعنی تشکیل هسته اولیه خانواده، یک پیوند عمیق فطری و روانی است که ریشه در سرشت این دو موجود دارای فطرت واحد و نقش متفاوت و مکمل دارد؛ و اگر بخواهیم در باره استحکام و تعالی خانواده اطمینان حاصل کنیم، باید پشتوانه‌های آن را در نظام ارزشی و اعتقادی جامعه ارزیابی و تقویت کنیم.

آغاز زندگی مشترک زن و مرد با انجام مراسم مذهبی و براساس ارزشهای دینی برای مشروعیت بخشیدن به آن گونه زندگی اجتماعی که نامش را خانواده می‌گذاریم، گواهی بر عمومیت و استمرار قداست و ارزش معنوی خانواده در کشورهای مختلف می‌باشد.

در دنیای امروز که با کمال تأسف در بسیاری از کشورها شاهد تزلزل و سستی این پیوندها هستیم، اولین اقدام لازم برای تحکیم مبانی خانواده، بازگشت به ارزشهای مذهبی و اخلاقی است. بررسیها و تحلیلها در مورد نقش خانواده از ابعاد مختلف روانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و کارکردهای آن در هر نظام اجتماعی یک امر ضروری برای یافتن پاسخ این سؤال است که چه توصیه‌هایی در باره خانواده قابل ارائه است؟ لیکن نگرستن به این مسائل از یک زاویه معنوی و اخلاقی بایستی مبنای تمامی تلاشها در حفظ و استحکام خانواده را تشکیل دهد.

یکی از ویژگیهای دنیای امروز، انفجار علم و دانش در همه حوزه‌ها و تأثیر ژرف آن در زندگی فردی و اجتماعی است. به تناسب این گسترش علوم، حیات روانی انسانها پیچیدگی می‌یابد و برای شناخت بهتر انسانها نسبت به یکدیگر در مناسبات اجتماعی که خانواده بارزترین و

سازمانهای متبوع خود در زمینه خانواده ارائه کردند.

اختتامیه

در بخش پایانی کنگره، پیام جناب آقای دکتر محمد علی نجفی وزیر محترم آموزش و پرورش به کنگره سال جهانی خانواده به توسط آقای سیداحمد زرهانی قائم مقام وزیر آموزش و پرورش در انجمن اولیاء و مربیان قرائت گردید که مشروح این پیام در پی می‌آید.

پیام جناب آقای دکتر محمد علی نجفی
وزیر محترم آموزش و پرورش به کنگره سال
جهانی خانواده

در عصر کنونی مسأله نظام و قوام خانواده بیش از هر بدیده اجتماعی دیگر مورد توجه است. اعلام سال ۹۴ میلادی به نام سال جهانی خانواده، علاوه بر اینکه تأکیدی است بر چنین توجه خاص و نگرانی مجامع بین‌المللی، حکایت از آن دارد که پرداختن به خانواده از موضوعات مهمی است که می‌بایست در جوامع مختلف مطمح نظر باشد.

امروز اصلی‌ترین سؤال اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی این است که اهمیت و ارزش واقعی خانواده در اعتلای زندگی سالم اجتماعی هر جامعه چقدر است و چگونه می‌توانیم به تناسب این اهمیت ضمانت‌ها و تدابیر لازم را برای تقویت این کانون محبت انسانی فراهم آوریم؟ در پاسخ به این سؤال بدون تردید درک قداست زندگی خانوادگی

شیوه‌های صحیح و سازنده را برای تقویت و تحکیم نقش خانواده در حیات اجتماعی و فرهنگی کشورها بیابیم و به کار بندیم.

شایسته است دفتر مرکزی انجمن اولیاء و مربیان با همکاری محافل علمی و تربیتی در جهت تحقق رهنمود مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تدوین منشور آموزش خانواده اهتمام لازم را مبذول داشته، این منشور را براساس تعالیم اسلام در اختیار سایر ملل قرار دهد.

تدوین برنامه‌های جامع و مستمر آموزش خانواده، برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه داوطلبان ازدواج و زوجین جوان، برنامه‌های مادرپروری و پدرپروری، ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌ها از جمله وظایف و مسؤولیت‌هایی است که بر عهده دفتر مرکزی انجمن اولیاء و مربیان و واحدهای تابعه است. در خاتمه ضمن خوش آمدگویی به همه شرکت کنندگان در کنگره خانواده و میهمانان عالیقدر، آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای تبادل اطلاعات و تجربیات با کشورهای مختلف اعلام داشته، توفیقات روزافزون همگان را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

کنگره سال جهانی خانواده در شامگاه روز ۲۶ مهرماه با برگزاری مراسم سوگواری به مناسبت شهادت بزرگ بانوی جهان، حضرت فاطمه زهرا (س) به فعالیت دو روزه خود پایان بخشید.

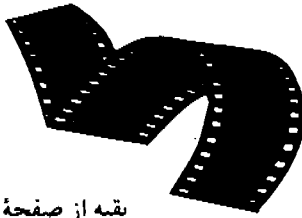


عمیق‌ترین نمونه آن است، محتاج به علم و دانشی بیش از گذشته هستیم. این امر آموزشهای مستمر را برای هر زن و مرد ضروری می‌سازد؛ آموزشهایی که در نتیجه آن ضمن شناخت بیشتر "خانواده" قادر باشند نقشها و وظایف خود را در مقابل همسر و فرزندان انجام دهند.

جمهوری اسلامی ایران ضمن استقبال از سال جهانی خانواده، توجه به این نهاد مقدس را یک رکن اساسی در سیاستها و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی خود می‌داند. الهام از معارف اسلامی به عنوان یک مکتب متعالی دینی، ارزش و اهمیت خانواده را در تعادل و استحکام حیات اجتماعی و فرهنگی اساسی می‌داند و اندیشمندان ما که با تکیه بر این مکتب به تحلیل مسائل فردی و اجتماعی می‌پردازند و سیاستها و برنامه‌های اجرایی جامعه را تدوین می‌کنند، صیانت خانواده را در مقابل هرگونه عوامل تهدید کننده و آسیب‌زا جزو اقدامات اولیه و اساسی به شمار می‌آورند و هر نهاد و ارگان اجرایی که به نحوی با مسائل خانواده مرتبط است، این بسخس از وظایف و مسؤولیت‌ها را مهم و اساسی تلقی می‌کند.

برنامه‌های آموزشی، اقدامات پیشگیرانه، خدمات راهنمایی و مشاوره و مددکاری کشور ما در زمینه خانواده، به ویژه بعد از پایان جنگ تحمیلی، با گستردگی و تنوع بسیار، به گونه‌ای است که ادعای مذکور را تأیید می‌کند.

بدیهی است اگر بخواهیم به دیدگاههای مشترکی در زمینه اقدامات لازم برای تحکیم خانواده دست یابیم، ضمن مطالعه و بررسی دقیق این قبیل برنامه‌ها و اقدامات در کشورهای مختلف، بایستی با تبادل نظرها و تجربیات،



بقیه از صفحه ۳۹

مرکز فارس، اهدا می‌شود.

کتاب سیمین به همراه دو سگه بهار آزادی، به خاطر طرح موضوعی اجتماعی و نمایش موفقیت‌آمیز دنیای عاطفی خانواده، به فیلم "خیال‌بافی خانواده" از کشور ژاپن، اهداء می‌شود.

۲- فیلمهای بلند سینمایی

هیأت داوران ضمن ارج نهادن به کار فیلمسازان شایسته ایرانی، آقایان: داریوش مهرجویی سازنده فیلم سارا و خانم رخشان بنی‌اعتماد سازنده فیلم نرگس و تقدیر از گرایش مستمر آنها به کار با موضوع خانواده، جوایز خود را به شرح زیر اهدا می‌نماید:

۱- به خاطر بیان تأثیرگذار و هنرمندانه موقعیت کودکان و نوجوانان در جوامع مختلف و نقش خانواده در سرنوشت عاطفی آنها، کتاب زرین به همراه ۵ سگه بهار آزادی به فیلم "بچه‌ها چطورند؟" از کشور بلژیک.

۲- به خاطر بیان مؤثر نقش خانواده در مراحل مسؤلیت‌پذیری فرزندان، کتاب سیمین به همراه چهار سگه بهار آزادی به فیلم "پایان کودکی" به کارگردانی آقای کمال تبریزی از ایران.

عواملی که در مورد خصوصیات شخصی و شخصیتی اجتماعی بیان شد، در تحقیقات بین‌المللی اشاره به وابستگی زن دارد. این تجربه شخصی که در مورد زمان بارداری، زایمان و شیردهی زن‌هاست، نقش بسیار مهمی در این وابستگی دارد. زمانی که می‌توانند این سیر فطام، یعنی سیر از شیرگرفتن بچه را انجام دهند و به مرور زمان به لحاظ روانی هم او را مستقل کنند، خودشان هم می‌توانند سیر مستقلی را به لحاظ رشد روانی طی بکنند. ولی کسانی که نمی‌توانند، در سیرشان توقف ایجاد می‌شود و این از جمله عواملی است که می‌تواند در رشد شخصیتی زنها توقف ایجاد کند. ولی آنهایی که (چه زن، چه مرد) می‌توانند از بین تمام این ویژگی‌هایی که بر شمرديم، خود را مستقل کنند و به کمال خود نزدیک شوند، کسانی هستند که مصداق این آیه شریفه در سوره احزاب می‌شوند که آمده است:

"ان المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات والقاتین والقاتین والصادقین والصادقات والصابرین والصابرات والخاشعین والخاشعات والمتصدقین والمتصدقات والصابغین والصابغيات والحافظین والحافظات والذاکرین والذاکرات اعد الله لهم مغفرة واجراً عظیماً"

(احزاب، آیه ۳۵)

مغفرت بزرگ داشت

مقام زن و

گوانی فنی داریم